

نسبت قرآن و نهج البلاغه با اصالت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز

سروش امیری *

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۳۱

چکیده

از آنجا که مهم‌ترین هدف از ایجاد این قبیل نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، بسط و گسترش همکاری و صلح بین‌المللی بوده است، انسان با تشکیل جوامع کوچک و بزرگ و برقراری رابطه باهم نوع خویش، می‌کوشد ارتباطی بر پایه همزیستی مسالمت‌آمیز را تجربه کند و به رفع نیازهای خود بپردازد. در سایه این گونه روابط است که انسان می‌تواند در روابط بین‌الملل عاری از جنگ و خونریزی و مملو از تفاهم و توافق و دوستی، به‌طور آزادانه به اهداف متعالی خود دست یابد. این مقاله درصدد است ضمن تأکید بر اصالت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز به بررسی دیدگاه‌های قرآن پرداخته و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که چه آموزه‌های در قرآن و نهج البلاغه به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط بین‌الملل منجر می‌شود؟ بر پایه این پرسش مفروض مقاله این است که تعالیم قرآن و نهج البلاغه مبتنی بر برابری، برادری، سعادت و کمال انسان‌هاست از این رو می‌تواند با همپوشانی با حقوق و سازمان‌های بین‌الملل صلح و امنیت جهانی را محقق سازد. در روابط بین‌الملل نیز اصل همزیستی مسالمت‌آمیز برای جلوگیری از جنگ و کشتارهای قومی و ایجاد جهانی امن و نحوه مناسبات، مبتنی بر اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیه ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله مسائل بین‌المللی از طریق مذاکره واقع شده است. سازمان‌های بین‌المللی از منظر اسلامی نه تنها فرصتی برای رشد و گسترش همکاری‌های

واژگان کلیدی :

همزیستی مسالمت‌آمیز، قرآن، نهج البلاغه، اسلام، روابط بین‌الملل.

مقدمه

صلح و همزیستی، یکی از بزرگ‌ترین مسائل جهان و موردعلاقه دولت-ملت‌هاست. حتی کشورهایی که عملاً آن را به بازی گرفته‌اند و بهانه‌جوی جنگ و جدال و تجاوزند، در راه تأمین صلح و آرامش و همزیستی از خود کوشش نشان می‌دهند و همواره به آن تظاهر می‌نمایند؛ آنان با تمسک به روش‌های غیرانسانی و جنگ‌طلبان و با ادعای صلح و همزیستی، اسلام را آماج اتهام در ضدیت با مسالمت و صلح ساخته‌اند؛ تا بدین ترتیب جهانیان را از اعمال ضد بشری خود غافل سازند. نخستین حالت در پیوند با بیگانگان، صلح و حفظ آرامش هست و مواردی که جنگ روا شناخته شده استثنایی است، یا به عکس اصل در روابط بر مبارزه و ناسازگاری است و صلح حالت استثنایی است که تنها در شرایط ناتوانی دولت و ملت اسلامی و باحالت شکست در جنگ، مشروع می‌شود. درحالی‌که، کتاب آسمانی و سفیر امین آن، رسول گرامی اسلام ﷺ مبشر رحمت برای عالمیان بوده‌اند: "و ما ارسلناک إلا رحمة للعالمین" پیشوایان معصوم این آیین، همگی با شرح صدری معجزه‌آسا، حتی بدخواهان و سیه‌دلان را به شگفتی واداشته‌اند. زیرا اسلام آیینی است تعصب‌گریز و خشونت‌ستیز و صلح‌محور، بالنده و حاضر در هر زمان و آزادی‌بخش به انسان هست. سبب اهمیت این موضوع وجود منابع اصیل اسلامی در خصوص اصالت داشتن حق همزیستی مسالمت‌آمیز از دیدگاه قرآن و حقوق بین‌الملل می‌باشد.

این مقاله درصدد پاسخگویی با روش توصیفی-تحلیلی، به این پرسش اصلی می‌باشد که چگونه اصل همزیستی مسالمت‌آمیز با تأکید بر آیات قرآن و حقوق بین‌الملل منجر به صلح بین‌الملل می‌شود؟ تعالیم قرآن و دین اسلام مبتنی بر برابری، برادری، سعادت و کمال انسان‌هاست از این رو می‌تواند باهمپوشانی باحقوق بین‌الملل صلح و امنیت جهانی را محقق سازد. در حقوق بین‌الملل نیز اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد جهانی امن و نحوه مناسبات، مبتنی بر اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی، عدم‌مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیه ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله مسائل بین‌المللی از طریق مذاکره واقع شده است.

در این مقاله، به‌دوراز تعصب و بر اساس شواهد و ادله روشن از قرآن، روایات و سیره پیشوایان اسلام، "اصالت حق همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام" اثبات می‌گردد. از این رو توجه و نهادینه کردن این اصل صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز قرآن می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را رقم بزند. نظر به این که



ساختار روابط دولت اسلامی با دیگر کشورها، با وجهه و آبروی اسلام در جهان ارتباط می‌یابد و قضاوت دیگران را درباره اسلام شکل می‌دهد، کاربردی کردن دیدگاه‌های اسلام، درباره سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، از حساسیت بیشتری برخوردار می‌گردد.

چهارچوب نظری

معنای لغوی سلم و سلام در لغت به معنای صحت و عافیت (احمد بن فارس بن زکریای رازی، ۱۳۳۶: ۹۰) و راغب اصفهانی در مفردات پس از آن که سلام و سلم را به معنی سلامت و دوری از آفات جسمانی تفسیر نموده؛ (راغب اصفهانی، ۱۹۷۲ م: ۲۴۵). صلح: "آشتی، سلم، تراضی میان متنازعیان، سازش، مقابل حرب و جنگ" (دهخدا، ۱۳۳۴: ۱۵۰۲۵) و ریشه آن "ص ل ح" (الزهری، ۲۰۰۱: ۲۰۳۹) هست. ابو عبیده گوید: سلم و اسلام هر دو یکی است و سلم در جای دیگر به معنی مسالمت و صلح است. "یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه...". (بقره، ۲۰۸). در اصطلاح سیاست، صلح یعنی "حالت آرامش و نبودن مخاصمات در سطح بین‌المللی یا منطقه‌ای، در پایان درگیری‌های نظامی طرفین درگیری که با امضاء قرارداد صلح، به مناقشه و درگیری خاتمه می‌دهند" (نعمت‌اللهی، ۱۳۷۹: ۹۲).

در قاموس قرآن نیز در ذیل این واژه چنین آمده: "صلح یعنی آشتی و مسالمت و نیز آن اسم است از مصالحه، که مذکر و مؤنث آن یکسان است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۴۱). همزیستی مسالمت‌آمیز در اصطلاح روابط بین‌الملل عبارت است از "نحوه مناسبات، بین ممالکی که دولت‌های آن‌ها دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی مختلف هستند؛ یعنی، رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیه ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله مسائل بین‌المللی از طریق مذاکره." به بیان دیگر، حق همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر حقوق بین‌الملل عمومی عبارت است از: "مناسبات دوستانه بین ملت‌ها و دولت‌ها بر اساس شناسایی یکدیگر، برابری حقوق، عدم مداخله و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها." و از نظر حقوق بین‌الملل خصوصی عبارت است از: "به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی و قومی در داخل یک سرزمین، احترام به حقوق آن‌ها، آزادی در انجام فعالیت‌های دینی و مذهبی." (مدنی، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

مبانی نظری

نظریه انتخاب عقلایی در واقع تلاشی است در جهت به نظم درآوردن مفاهیم و تصمیمات اقتصادی



دولت‌ها (اولن، ۱۹۹۹: ۷۹۱).^۱ جنگ و منازعه در روابط بین‌الملل، عمدتاً دستاورد و ساخته جهان مدرن به شمار رفته و بیش از سایر عناصر بر روابط بین‌الملل تأثیرگذار بوده است (گری، ۲۰۰۷: ۱).^۲ لذا در اسلام برای پی بردن به مقوله همزیستی مسالمت‌آمیز، پرداختن و توجه به مسئله اصالت فرد و اجتماع است. بحث در خصوص رابطه میان انسان و اجتماع از دیرباز مطرح بوده است (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۴).

اگر انسان را موجودی اجتماعی در نظر بگیریم دو نظریه مطرح می‌گردد و اگر آن را موجودی فردگرا در نظر بگیریم باز هم دو نظریه مطرح می‌گردد، در ذیل به بررسی این دیدگاه‌ها و نظریات در خصوص انسان می‌پردازیم.

انسان به حسب قرارداد اجتماعی است: ژان ژاک روسو، اندیشمند فرانسوی قرن ۱۸ میلادی، در کتاب قرارداد اجتماعی، معتقد است که انسان به حسب طبع خود انفرادی و به حسب قرارداد اجتماعی است. ولی چون انسان موجود عاقل و متفکر است و سود و زیان خود را محاسبه می‌نماید، زندگی اجتماعی را انتخاب کرده است (طاهری، ۱۳۸۶: ۲۷۳- و عالم، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۴۸). انسان از روی اضطرار اجتماعی است: این نظر می‌گوید زندگی اجتماعی انسان طبیعی است، ولی به طور کامل اختیاری هم نیست.

علامه طباطبایی و آیت‌الله طالقانی در تفسیر المیزان و پرتوی از قرآن، در تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران چنین بیان داشته‌اند: انسان به طبیعت اولی فردی و به طبیعت ثانوی اجتماعی است (طالقانی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۴۶۴). از مجموعه آیات چنین برمی‌آید که تقدم حقوق فرد بر جامعه در اسلام برای بذل و ایثار آن به نیازمندان است، نه برای اسراف در دست متمولان در جهت استخدام و تعدی بر دیگران. این در حالی است که در نظام‌های غیرالهی و مکاتب مادی، تقدم حقوق فرد بر جامعه در جهت منفعت‌طلبی، سودگروی و برتری‌جویی در مسیر تحقق امیال و خواسته‌های شخصی است؛ زیرا مبنای اعتقادی و اخلاقی آنان چنین است (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۷۵، ۷۳).

این اصل (حب ذات) در اسلام نیز پذیرفته شده است یعنی اسلام هم برای مصلحت و سعادت افراد و هم برای مصالح جامعه، اهمیت و احترام قائل است (ورعی، ۱۳۸۱: ۶۳). زیرا افرادی که در جامعه به سر می‌برند دودسته‌اند: خواص و عوام. گروه خواص، که از درک و معرفت بالایی برخوردارند بر جامعه تأثیرگذار نیز هستند، اما عوام که تابع جو حاکم بر جامعه‌اند، معمولاً جامعه بر ایشان تأثیرگذار است. چنان‌که امیرالمومنین با اشاره به تغییر حاکم و سلطان وقت، آن را عاملی در تغییر زمان مطرح نموده‌اند.^۳

1 Ulen

2 Gray

^۳ اذا تغير السلطان تغير الزمان





تحلیل یافته‌ها

انجمن حقوق بین الملل " به سهم خود در اجرای تصمیمی که در کنفرانس دو برونیک ۱۹۵۶ اتخاذ گردید، کمیته‌ای به منظور بررسی جنبه‌های حقوقی همزیستی تشکیل داد. این کمیته که وظایف آن از طرف اجلاس‌های بعدی انجمن حقوق بین الملل و همچنین شورای اجرایی آن تصریح گردید شانزده اصل را به عنوان " مبانی همزیستی مسالمت‌آمیز " تعیین نمود و این نظر از طرف کنفرانس انجمن حقوق بین الملل که در سال ۱۹۶۴ در توکیو تشکیل گردید نیز مورد تأیید قرار گرفت. در جلسه مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ (بیست و پنجمین دوره اجلاس مجمع عمومی) مطرح و آن براساس، تصمیمی اتخاذ شد. طبق این تصمیم درباره اصول هفتگانه ذیل به طور رسمی توافق حاصل شد:

- ۱- الزام دولت‌ها به خودداری از توسل به تهدید و به کار بردن قوای صلح ضد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌های دیگر یا اقدام‌های مشابه که خلاف اهداف سازمان ملل متحد هستند.
- ۲- لزوم حل و فصل اختلافات بین المللی به وسایل مسالمت‌آمیز.
- ۳- عدم مداخله دولت‌ها در اموری داخلی دولت‌های دیگر است.
- ۴- همکاری دولت‌ها با یکدیگر طبق اصول منشور ملل متحد.
- ۵- تساوی حقوق ملل و آزادی آن‌ها برای تعیین سرنوشت خود
- ۶- برابری دولت‌ها از لحاظ حاکمیت
- ۷- الزام دولت‌ها به حسن نیت کامل (کریمی نیا، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۴).

همان‌گونه که بیان شد در مورد تعداد اصول همزیستی مسالمت‌آمیز بین دانشمندان توافقی وجود ندارد. گاهی تا شانزده اصل بیان شده است مثل اصول پیشنهادی انجمن حقوق بین الملل و گاهی پنج اصل. در کنفرانس بانوک در ۲۴ آوریل ۱۹۵۵ میلادی از سوی پاکستان، هفت اصل "هفت ستون صلح"

دیدگاه قرآن در خصوص همزیستی مسالمت‌آمیز

دین اسلام دینی است جامع که هم برای زندگی فردی انسان‌ها برنامه دارد و هم برای اداره اجتماعات و جوامع انسانی و اگرچه این دین در شبه‌جزیره عربستان ظهور کرد ولی بنا بر آیات قرآن منحصر به یک قوم و قبیله نیست بلکه پیام و رسالتی جهانی دارد. قبل از بررسی دیدگاه اسلام در خصوص موضوع تحقیق حاضر باید بر این نکته موجه داشت که اصطلاح همزیستی مسالمت‌آمیز اصطلاحی است کاملاً جدید و بخصوص پس از شکل‌گیری نهادهای به نام دولت به وجود آمده و عمر چندانی در حقوق بین‌الملل ندارد به همین دلیل در اسلام هم نمی‌توان به‌طور دقیق و به معنای امروزی، چنین اصطلاحی را یافت ولی با مطالعه این اصل و بررسی دین اسلام می‌توان به این نتیجه رسید که بسیاری از مفاهیم و محتویات این اصل به انواع گوناگون در دین اسلام مطرح شده که در این قسمت به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

مقبولیت سنت‌ها و رویه‌هایی چون توسل به حکمیت و میانجیگری در حل و فصل اختلافات، تلاش برای به حداقل رساندن احتمال وقوع جنگ و قانونمند و محدود کردن ابعاد آن در صورت وقوع، ترویج صلح و دوستی میان افراد و ملل مختلف، پایبندی به معاهدات و پذیرش اصل انعقاد قرارداد و معاهده، محترم شمردن حقوق اقوام و مذاهب مختلف در کنار توجه به لزوم همکاری و همیاری میان جوامع در سطوح مختلف، همگی در زمره اصولی هستند که آیین اسلام یا خود مبدع آن‌ها بوده و یا آن‌ها را ابرام کرده است. همین اصول قرن‌ها بعد شاکله و دلیل اصلی تأسیس نهادهای بین‌المللی گردیدند (خانی، ۱۳۸۵: ۴۳). بنابراین برخلاف رویکرد رئالیسم و نئورئالیسم که دیدگاهی کم‌اهمیت و بی‌اهمیت به سازمان‌های بین‌المللی داشته و آن‌ها را در بهترین حالت بازیگرانی حاشیه‌ای در نظام بین‌الملل عنوان می‌سازند (اس‌پیس، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۰۱).

دیدگاه‌های موجود در منابع اسلام نه تنها در تضاد و تناقض با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی قرار ندارند، در واقع سازمان‌های بین‌المللی از منظر اسلامی نه تنها فرصتی برای رشد و گسترش همکاری‌های بین‌المللی محسوب می‌گردند، بلکه عاملی مهم برای گسترش هنجارها و ارزش‌های مشترک بین‌المللی نیز به حساب می‌آیند. لذا ملت‌ها بدان به‌عنوان فریضه‌ای الهی و فطری بنگرند و بر اساس عقیده و ایمان، خویش را موظف به رعایت این هدف بدانند (ابراهیمی‌ورکیانی، ۱۳۸۲: ۲). با بررسی اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، چنین می‌توان استنباط نمود که؛ دولت اسلامی دارای اهدافی ثابت و تغییرناپذیر نبوده و با توجه به مقتضیات پویای بین‌المللی، اهداف دولت اسلامی نیز در اولویت‌ها و رفتار سیاست خارجی خود دچار تغییراتی به اقتضای شرایط داخلی و بین‌المللی می‌گردد. این تغییر در اهداف دولت اسلامی سبب گردیده تا برخی اندیشمندان بر این اعتقاد باشند که؛ نسل حاضر از دولت‌های اسلامی در انجام وظایف



خود با آنچه به‌عنوان نظام وابسته به خلیفه در صدر اسلام مطرح بود، دارای تفاوت‌هایی باشند (انابهانی، ۱۹۹۸: ۱)^{۱۰}

همزیستی مسالمت‌آمیز فکر اصیل اسلامی است از نظر قرآن کریم جنگ مذهبی و ستیز به سبب اختلاف عقیده معنا ندارد. کینه‌توزی با پیروان ادیان دیگر ممنوع است. قرآن کریم برای تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز راه‌های گوناگونی را سفارش کرده است که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

قرآن کریم و آزادی عقیده و فکر

با توجه به برخی از آیات قرآن این امر مسلم است که اعتقادات دینی پذیرش آن‌ها از روش اجبار رد کرده نیست و در این خصوص حتماً باید به رضایت و اختیار وجود داشته باشد چراکه در غیر این صورت ایمان، قلبی نخواهد بود. درین زمینه می‌توان به آیه ۲۵۶ سوره بقره اشاره کرد که می‌فرماید در دین اکراه روا نیست چراکه راه رشد و تعالی از راه ظلمت و گمراهی مشخص گردیده است. همچنین در آیات ۹۹ سوره یونس، ۲۹ سوره کهف، و ۱۰۷ سوره انعام به‌خوبی نشان داده‌شده که شیوه دعوت اسلام شیوه‌ای کاملاً عقلانی و به‌دوراز هرگونه تحمیل‌گری و اجبار و کاملاً مسالمت‌آمیز است و روش‌های سخت‌گیران تبلیغ در اسلام جایی ندارد.

قرآن و دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز؛

خداوند در آیه ۶۴ سوره آل عمران به تقاط و اصول مشترک بین دین اسلام و اصل کتاب اشاره می‌کند و به مسلمانان می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند با شما همکاری کنند، بکوشید دست‌کم در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند، همکاری آن‌ها را جلب کنید.

قرآن کریم و نفی نژادپرستی؛

قرآن در آیه ۱۳ سوره حجرات بیان می‌فرماید که همه انسان‌ها از یک مرد و یک زن آفریده‌شده‌اند و این اختلافات امروزی جهت‌آشنایی داشتن بیشتر با یکدیگر است ضمن اینکه گرامی‌ترین انسان‌ها نزد خداوند فارغ از هرگونه قوم و قبیله و نژاد و جنبشی پرهیزکارترین انسان‌ها هستند. تساوی و برابری انسان‌ها. در بسیاری از آیات قرآن از "یا ایها الانسان" که یک خطاب کلی به همه انسان‌هاست استفاده‌شده که نشان می‌دهد انسان‌ها فرقی با یکدیگر ندارند و همه فرزندان یک پدر و مادر هستند. قرآن همچنین در آیه ۸۱ سوره مائده و آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ سوره بقره تعصبات برتری جویانه و

نژادپرستان و قوم یهود و مسیحی را رد می‌کند و می‌گوید از نظر خداوند هیچ ملت برگزیده‌ای وجود ندارد و همه باهم برابرند.

قران و صلح بین‌المللی؛

اسلام از ابتدا، اصول صلح را پی‌ریزی نموده و از این طریق، راه را برای پی‌موندن صلح بین‌المللی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز همواره ساخته است. در این مورد کافی است که بدانیم صلح، روح اسلام است. واژه اسلام از ماده "سلم" گرفته شده است و بدین جهت، متضمن معنای سلامت و آرامش است؛ لذا قرآن دستور می‌دهد که همگی در حوزه "سلم و صلح" وارد شوند: "ای افراد باایمان، همگی در حوزه مسالمت وارد شوید..." (بقره، ۲۰۸).^۱

خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که اگر دشمنان تو از در مسالمت وارد شدند و به آن میل کردند، تو نیز از فرصت استفاده کن و با آنان موافقت نما: "و اگر دشمنان به صلح تمایل داشتند تو نیز مایه به صلح باش." (انفال، ۶۱)^۲

طرفداری از صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در سیاست خارجی، از خردمندانه‌ترین و مترقی‌ترین برنامه‌هاست و اسلام نیز این برنامه را اتخاذ کرده و تقویت نیرو را برای دفاع در مواقع اضطراری خواسته است.

قران و پذیرش حقوق اقلیت‌ها:

اقلیت‌های مذهبی نیز با توجه به آیه ۸ سوره ممتحنه اگر با مسلمانان به قتال نپردازند و برای مسلمانان ایجاد ضرر و زحمت نکنند با بستن قرارداد ذمه می‌توانند به راحتی در جامعه اسلامی زندگی کنند. حتی می‌توانند اعمالی که در دین آن‌ها مجاز است ولی در دین اسلام حرام هست را انجام دهند البته اقلیت‌های مذهبی موظف‌اند تجاهر و تظاهر به منکرات اسلامی از قبیل مشروبات الکلی، خوردن گوشت میت، نکاح با محارم زنا ننمایند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۱۰۱).



۱ یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه...؛
۲ و ان جنحوا للسلم فاجنح لها...،

با توجه به آیاتی همچون آیه ۶۱ و ۸۲ سوره مائده و بسیاری آیات دیگر به روشنی مشخص است که اسلام ادیان الهی و آسمانی دیگر را به رسمیت شناخته و آن‌ها را تأیید و تصدیق می‌کند و به پیروان هر دینی دستور می‌دهد تا به کتاب و آیین خویش (که قدر متقین آن توحید و خداپرستی است) عمل کنند.

قرآن و تعارض در مسائل بین‌المللی:

خداوند در آیه ۲ سوره مائده^۳ به تعاون و همکاری در نیک‌ها و تقواها و پرهیز از مشارکت در گناه و تجاوز اشاره کرده که این امری است کاملاً عقلایی چراکه همکاری و تعاون لازمه زندگی اجتماعی است. در مقیاس جهانی تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه از مصادیق "بر" هستند و در این راه می‌باید از هر نوع همکاری که سبب فساد، تباهی و ظلم است خودداری کنند (عمید زنجانی، ۱۳۴۶: ۴۶۱ و ۴۶۲). در آیه ۱۵ از سوره مائده نیز ازدواج با اهل کتاب و تناول غذای آن‌ها مجاز شمرده شده که این خود نشان‌دهنده اهمیت تعاون و همکاری بین‌المللی با سایر ادبیات در دیدگاه دین اسلام است.

قرآن و استبداد زدایی

نقطه شروع قرآن درباره مسئله استبداد، نقطه شروعی ضد "انسان‌محوری" است و می‌گوید: "... به یقین انسان طغیان می‌کند از این که خود را بی‌نیاز ببیند" (علق، ۶ و ۷). قرآن کسانی را که خود را خداوندگار و معبود حقیقی معرفی می‌کنند طغیانگر معرفی می‌کند به‌عنوان نمونه‌ای از طغیانگران اشاره می‌کند: "به‌سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است" (طه، ۲۴). در جامعه استبدادزده، خوار شمردن و



۱ وَ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ وَ بِهِ دَنَبَالِ أَنَانَ (پیامبران پیشین) عیسی پسر مریم را آوردیم در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق می‌کرد و به او انجیل دادیم، که در آن هدایت و نور است و تصدیق کننده‌ی تورات قبل از آن است و برای پروا پشیمانان مایه‌ی هدایت و موعظه است.

۲ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مَنَاجِيًا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ "۴۸" و ما کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و حاکم و حافظ آنها است. پس به آنچه خداوند نازل کرده، میان آنان حکم کن و از حقی که برای تو آمده، از هوا و هوس آنان پیروی مکن، ما برای هر یک از شما آیین و طریقه روشنی قرار دادیم و اگر خداوند می‌خواست، همه شما را یک امت قرار می‌داد... پس در کارهای نیک سبقت بگیرید؛ بازگشت همه شما به سوی خداست، پس او شمارا به آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاه خواهد ساخت.

۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجَلَوْا شعائرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ لَا الْهَدْيَ وَ لَا الْقَلَائِدَ وَ لَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَانًا وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَ لَا يَجْرِمُكُمْ سِتْرَانِ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ "۳" ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حرمت شعائر الهی، ماه حرام، قربانی حج و حیواناتی که برای حج علامت‌گذاری شده‌اند و راهبان خانه خدا که فضل و خشنودی پروردگارشان را می‌طلبند، نشکنید و هرگاه از احرام بیرون آمدید می‌توانید شکار کنید. و دشمنی با گروهی که شما را از مسجدالحرام بازداشتند، شما را به بی‌عدالتی و تجاوز وادار نکند و در انجام نیکی‌ها و دوری از ناپاکی‌ها یکدیگر را یاری دهید و هرگز در گناه و ستم، به هم یاری نرسانید، و از خداوند پروا کنید...

سبک انگاشتن مردم امری رایج است، چراکه ضعف مردم در ابعاد مختلف پایه های حکومت استبدادی را تقویت می کند.

قرآن

آزادی عقیده و فکر؛ صلح بین المللی؛ پذیرش حقوق اقلیت ها؛ رسمیت شناختن انبیا؛ استبداد زدایی

اصول همزیستی مسالمت آمیز در نهج البلاغه

اصل همزیستی مسالمت آمیز در نهج البلاغه، عبارت است از مجموعه قواعدی که اهداف شریعت را تحقق می بخشد و انسان را به حقوقی نظیر حق حیات، تفکر، آزادی، امنیت، بهره برداری از طبیعت، تعلیم و تربیت، دادخواهی و امثال آن می رساند، لذا اصول همزیستی مسالمت آمیز در نهج البلاغه با آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر هست، تفاوت دارد. این اصول عبارتند از: اصل کرامت انسانی: "مهم ترین اصل و پایه حقوق بشر "کرامت انسانی" است". (رشاد، ۱۳۸۰: ۵ / ۴۹) "کرامت" به معنای ارجمندی است.

اصول حقوقی همزیستی مسالمت آمیز در نهج البلاغه

امام علی (علیه السلام) درباره احساس فطری توحید، برترین چیزی که اهل توسل به خداوند پاک و بلندمرتبه به آن توسل جویند، ایمان به خدا و رسولش، و جهاد در راه او می داند و در ردیف آن می فرماید: یکتا دانستن پروردگار که مقتضای فطرت انسانی است^۱ (شریف رضی، ۱۳۶۷: خ ۱۱۰). با توجه به اینکه قرآن اسلام را دین فطرت می نامد و فطرت خداجویی در همه انسان ها - با درجات مختلف - وجود دارد، و نیز با توجه به ملازمه ای که مشهور اصولیون شیعه بین حکم عقل و حکم شرع قائل اند و معتقدند، چون خداوند منبع فیض و خیر مطلق است، ممکن نیست امری را عقل نیکو بشمارد یا عملی را قبیح بداند و خداوند مطابق آن فرمان ندهد، (مظفر، ۱۴۰۵: ۲ / ۲۱۳). امام علی (علیه السلام) در موارد متعدد به جاودانگی انسان در عالم بقا اشاره می کند (شریف رضی، ۱۳۶۷: خ ۱۵۷) از جمله: پس در روزهای گذران برای روزهای بی پایان



۱. ... وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ.

توشه بردارید^۱. سرانجام آخرت جاودانگی است^۲. (ناظم‌زاده قمی، ۱۳۷۵: ۳): کسی که سرای نابود شدنی را شناخت، سزاوار است که برای سرای جاودان بکوشد^۳.
اصول همزیستی مسالمت‌آمیز در نهج‌البلاغه نیاز به بررسی حقوق خصوصی و عمومی و حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ذیل پرداخته می‌شود:

حقوق خصوصی: "حق خصوصی، امتیازی است که هر شخص در برابر دیگران دارد؛ مانند حق مالکیت، حق انتفاع، حق شفعه، حق رهن و حق خیار. سبب ایجاد حق خصوصی ممکن است عمل حقوقی و ناشی از اراده باشد یا اجرای قاعده حقوقی در روابط اجتماعی (وقایع حقوقی). ولی، در برابر هر حق خصوصی، تکلیفی نیز برای شخص مقرر شده است" (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۴۱).

حق حیات و امنیت شخصی: اصلی‌ترین حق آدمی و پایه حقوق دیگر، حق حیات است و مطابق آن هر انسانی - از هر نژاد و ملیت و مذهبی - از زمانی که در رحم مادر قرار می‌گیرد تا زمانی که آخرین نفس را می‌کشد، از آن انسان بودن، دارای حق حیات است و تا این حق تأمین نگردد، نوبت به بقیه حقوق نمی‌رسد. امام علی (علیه السلام) جامعه‌ای می‌خواهد که جان و مال و عرض و آبروی همه افراد در آن محفوظ باشد و همه در کمال آرامش و امنیت وظایف فردی و اجتماعی خود را به انجام رسانند. امام (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر، جان مردم را محترم می‌داند و در مورد به‌ناحق ریختن خون مردم می‌فرماید: ^۴ از خون‌ریزی به‌ناحق بپرهیز، زیرا هیچ چیزی بیش از خون‌ریزی به‌ناحق، انتقام الهی را نزدیک نمی‌کند و پیامدهای بزرگ ندارد و زوال نعمت و بریده شدن رشته عمر و دولت را سبب نمی‌شود (شریف‌رضی، ۱۳۶۷: ن ۵۳). شاگرد مکتب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به‌درستی که در طول عمر پربرکت خود نشان داد که بهترین عامل به این کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) هست که: مؤمن کسی است که دیگران از او بر مال و جانشان ایمن باشند و از دست و زبانش در امان (نراقی، ۱۳۸۳: ۲ / ۲۱۱). امیرمؤمنان (علیه السلام) امامت خود را با احترام به حیات بشر آغاز می‌کند و در دوره حکومت در اجرای آن کوشاست؛ حتی در واپسین لحظات عمر شریف خود می‌فرماید: ای فرزندان عبدالمطلب، نبینم (به بهانه کشته شدن من) چنگ در خون مسلمانان فرو برید. گویند: امیرمؤمنان کشته شد! زنهار، جز قاتل مرا به خاطر من نکشید^۵ (شریف‌رضی، ۱۳۶۷: ن ۴۷).



^۱. فَتَزَوَّدُوا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ

^۲. فَتَزَوَّدُوا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ

^۳. ينبغي لمن عرف دارالفناء أن يعمل لدار البقاء.

^۴. إِيَّاكَ وَالدِّمَاءَ وَسَفْكَهَا بَعْدَ حَلِّهَا فَإِنَّهُ كَيْسٌ شَمِيٌّ أَدْعَى لِنِعْمَةٍ وَ لَا أَعْظَمَ لِنِعْمَةٍ وَ لَا أَحْزَى بَرَزَالٍ نِعْمَةٍ وَ انْقِطَاعَ مَدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الدِّمَاءِ بَعْدَ حَلِّهَا

^۵. يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا أَلَيْبَتِكُمْ تَحُوضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ غَوَضًا تَقُولُونَ قِيلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا لَا تَقْتُلُوا بِي إِلَّا قَاتِلِي



حق حیات که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن تصریح شده است، نه تنها شامل حمایت از فرد در برابر هرگونه تجاوز به زندگی و تمامیت جسمی اوست؛ بلکه حمایت از انسان در برابر بینوایی و خطراتی را که جسم و جان او را تهدید می‌کند، دربر می‌گیرد.

آزادی شخصی: آزادی از اصیل‌ترین حقوق نوع بشر است؛ به گونه‌ای که همگان آن را می‌ستایند. منظور از آزادی شخصی این است که آدمی مالک اراده، اختیار و سرنوشت خود باشد و کسی حق نداشته باشد جان، مال و اراده‌اش را تملک کند. آزادی‌های شخصی که در مواد سه تا یازده اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده، قرن‌ها قبل از آن در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. همه انسان‌ها از نظر اسلام آزاد آفریده شده‌اند و حق دارند آزاد زندگی کنند و در حقوق اسلامی هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد (عبداللهی، ۱۳۸۱: اصل ۲۲). امام علی (علیه السلام) در تأیید این حق، تصریح می‌فرماید: خود را از تن دادن به هر کار پستی گرامی دار؛ اگرچه آن کار تو را به خواسته‌هایت برساند؛ زیرا، در برابر آنچه از شخصیت خود از دست می‌دهی، عوضی نمی‌گیری و بنده دیگری مباش، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است^۱ (شریف‌رضی، ۱۳۸۴: ن ۳۱). با استفاده از فرمایش حضرت امیر (علیه السلام) می‌توان نتیجه گرفت که آزادی شخصی بردو قسم است:

قسم اول: آزادی از اسارت دیگران: اسلام با برده‌داری و برده‌فروشی موافق نیست و در کتاب و سنت هیچ نصی وجود ندارد که دستور برده‌داری بدهد؛ بلکه برعکس نصوص بسیاری به آزاد کردن بردگان دستور می‌دهد (عبداللهی، ۱۳۸۱: اصل ۲۲).

قسم دوم: آزادی از هواهای نفسانی: حضرت علی (علیه السلام) در بیانی که گذشت بر این نوع آزادی تأکید دارد و می‌فرماید: همانا ترس از خدا کلید درستی کردار و اندوخته قیامت و موجب رهایی از هر بندگی و رهایی از هر تباهی است. امام در این کلام مردم را آزاد قرار نمی‌دهد که هر تباهی و باطلی را انجام دهند، بلکه می‌فرماید: تقواداشته باشید که نتیجه‌اش آزادی از خوی و عادت واهی هست^۲ (شریف‌رضی، ۱۳۶۷: خ ۲۳۰).

حق دفاع و احقاق حق: حق آزادی علاوه بر آزادی جسمی و ایمنی در برابر بازداشت‌ها و تبعیدهای غیرقانونی و بردگی و خریدوفروش انسان‌ها، آزادی حقوقی را هم شامل می‌شود. این آزادی، شکنجه و اعمال وحشیانه و غیرانسانی نسبت به افراد را نفی می‌کند و همه را در برابر قانون مساوی می‌داند. امام علی (علیه السلام) نه تنها به شخص ستم‌دیده حق دفاع و احقاق حق می‌دهد؛ بلکه به دولت اسلامی دستور می‌دهد همه وسایل آسان را برای دادخواهی مظلوم فراهم سازد. در فرمان امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌خوانیم: قسمتی از اوقات خود را برای کسانی که به تو نیازمندند، اختصاص بده و در مجلس عمومی

۱. وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَيْبِيَّةٍ وَ إِنْ سَأَلْتَكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاخَ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا.
 ۲. فَإِنَّ نَفْسَ اللَّهِ مُفْتَاخُ سَدَادِ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادِ وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ

بنشین و برای خدایی که تو را آفریده، فروتنی نما. لشگریان و یاران از نگهبانان و پاسبانان خود را از آنها بازدار. تا سخنگوی ایشان بی ترس و واهمه با تو سخن بگوید، زیرا من بارها از پیغمبر ﷺ شنیدم که می فرمود: امتی که حق ناتوان را بدون ترس و نگرانی از زورمندان نگیرد، هرگز رنگ سعادت را نخواهد دید. (شریف‌رضی، ۱۳۸۴: ن ۵۲)

حق مالکیت: امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: (شریف‌رضی، ۱۳۸۴: ن ۵۱) و به مال هیچ کس دست نبرید.^۱

حق آزادی مذهب: "آزادی مذهب قسمی از آزادی‌های فردی است که به موجب آن هر فرد حق دارد که در امور مذهبی، دارای عقیده یا فاقد عقیده باشد و عقیده خود را فاش نماید." (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۳۲). امام علی (علیه السلام) در حکمتی از نهج البلاغه می فرماید: خداوند سبحان بندگان را امر کرده به اختیار، و نهی فرموده با بیم و ترس (از عذاب). و تکلیف کرده به آسان و دستور نداده به کار دشوار، او کردار اندک را پاداش بسیار عطا فرموده و او را نافرمانی نکرده‌اند از جهت اینکه مغلوب شده باشد و فرمانش را نبرده‌اند از جهت اینکه مجبور کرده باشد (شریف‌رضی، ۱۳۸۴: ن ۵۳...^۲) امروزه بندگان نشانه اختیار و آزادی آن‌هاست؛ بدین معنی که به انسان‌ها حق انتخاب داده شده است. همچنین در نامه‌ای به مالک اشتر نخعی نامزد استاندار مصر که تعداد زیادی از مردم آن منطقه مسیحی و غیرمسلمان بودند، می فرماید: و بر آنان چون حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروه‌اند: یا برادران دینی تو و یا همنوع‌های تو در آفرینش‌اند.^۳ با توجه به فرمایش حضرت امیر (علیه السلام) به خوبی فهمیده می شود که حضرت به مالک دستور نداد، افرادی را که دین تو را ندارند، آن‌ها را به پذیرش دین مجبور کن؛ بلکه، به طور کلی سفارش کرد با همه مهربانی کند؛ چه برادر دینی او باشند یا نباشند (شریف‌رضی، ۱۳۸۴: ن ۵۳).

نهج البلاغه و بیانیه جهانی حقوق بشر در روابط بین الملل

ماده ۲۵ بیانیه جهانی حقوق بشر می گوید:

هر کس حق دارد از سطح يك زندگی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده اش از جمله خوراك، لباس، مسکن و بهداشت را تأمین کند، همچنین حق دارد از خدمات ضروری اجتماعی در هنگام بیکاری، بیماری، درماندگی، بیوگی و پیری یا در سایر موارد که بنا به شرایط بیرون از اراده او، وسایل معاش وی را مختل گرداند استفاده کند.

۱ و لَا تَمْسُقْ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ.

۲ إِنْ أَلَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَمَرَ عِبَادَهُ تَخْيِيراً وَ نَهَاهُمْ تَحْذِيراً وَ كَلَّفَ سَبِيْرًا وَ لَمْ يَكُلِّفْ عَسِيْرًا وَ أَعْطَى عَلَى الْقَلِيْلِ كَثِيْرًا وَ لَمْ يَغْضُ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يَطْعُ مُكْرَهًا ...

۳ وَ لَا تَكُوْنَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِنَّا أَعْلَمُ لَكَ فِي الدِّيْنِ وَ إِنَّمَا نَنْظِرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ.

در طبقه‌ای از مردم که مشکل معیشتی دارند، آنان که چاره ندانند و از درویشان و نیازمندان و از بیماری بر جای ماندگان‌اند، مستحق عطایند و سپس دستور داد بخشی از بیت‌المال را به این افراد اختصاص دهند (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه). حضرت بر پیرمردی گدا گذشت و وقتی حال زار او را دید به اطرافیان‌ش گفت: از او کار کشیدید تا پیر شد، حال که عاجز شده است چرا از او دریغ می‌دارید؟ از بیت‌المال به او بازنشستگی بپردازید (وسایل الشیعه، ج ۱۱، ۴۹). در موردی حضرت با پیرزنی روبه‌رو شد که مشک آبی بر دوش داشت، پس از دقت دریافت که او همسر یکی از شهداست، با طعام به منزل او رفت و با فرزندانش بازی کرد، آنگاه صورت خود را نزدیک آتش گرفت و به خود گفت: «بچش ای علی! این جزای کسی است که حقوق بیوه‌زنان و یتیمان را ضایع کند» (بحارالانوار، ج ۴۱، ۵۲). آیت‌الله دین‌پرور، رئیس بنیاد نهج‌البلاغه با موضوع علی (علیه السلام) و حقوق بشر، به جایگاه عدل در اندیشه و سیره عملی امام علی (علیه السلام) می‌گوید: "نگاه علی (علیه السلام) به موضوع عدل و اصرار ایشان نسبت به اجرای آن فارغ از ملاحظات مذهبی نژادی و فرقه‌ای است، تنها هدف و انگیزه امام علی (علیه السلام) از پذیرش حکومت نیز صرفاً احقاق حق و اعمال تعهد الهی حاکمان بر استیفای حق مظلوم بوده و بر همین اساس بر اجرای عدالت تأکید داشته و جان خود را در راه آن فدا نمود" (دین‌پرور در همایش حقوق بشر در نهج‌البلاغه، جاکارتا، ۱۳۸۸).

رعایت حقوق بشر در جنگ از نگاه امام علی (علیه السلام)

اگر به مواردی که جنگ در قرآن و نهج‌البلاغه مجاز است نیز توجه کنیم به خوبی درمی‌یابیم که اسلام دین صلح و آشتی است. مجوزهای قرآن برای انجام جنگ دفع تجاوز (بقره، ۱۹۰). رفع فتنه (بقره، ۱۹۳). رفع استضعاف از ستم‌دیدگان (آیه ۷۵ سوره نساء). دفاع از سرزمین (حج، ۳۹ و ۴۰) و مبارزه با نقض‌کنندگان پیمان و آغاز گران جنگ (توبه، ۱۳) است که عقل هر انسانی نیز وجوب دفاع در چنین مواردی را تأیید می‌کند چراکه در غیر این صورت یعنی عدم دفاع در حالاتی که ذکر شد، در حقیقت عملی برخلاف عقل سلیم صورت پذیرفته که این از نظر دین اسلام که یکی از پایه‌های آن تعقل و تفکر است مذموم است. ضمن اینکه در جنگ‌های پیامبر ﷺ و حضرت علی (علیه السلام) نظر افکنیم می‌بینیم که همه این جهادها و جنگ‌ها تدافعی بوده‌اند نه تهاجمی. کما اینکه برخی از یاران حضرت امیر (علیه السلام) در جنگ با ناکثین و مارقین و قاسطین به ایشان انتقاد می‌کردند که چرا زودتر اقدام به جنگ و مبارزه نمی‌کنید و حضرت (علیه السلام) هم هیچ‌گاه مبارزه نمی‌کردند مگر اینکه قبلاً حق را برای سپاه دشمن تبیین می‌فرمودند و آن‌ها را دعوت به پرهیز از جنگ و خونریزی می‌نمودند. در نهایت می‌توان گفت آیات جهاد فقط آیات زمان نبرد است نه زمان صلح و حتی به مسلمانان دستور داده شده هنگامی که دشمنان دست از جنگ برداشتند شما هم با آن‌ها جنگ نکنید چراکه در این صورت متجاوز محسوب می‌شوید. مواردی چون باور به اصل توحید، التزام داشتن و تعهد به قوانین الهی، برقراری عدل و قسط، حق حیات، حق

کرامت انسانی، حق آزادی، حق انتخاب، تساهل و تسامح، ترویج انفاق و ایثار، پرهیز از جنگ و خشونت در برخورد با مخالفان و صلح‌طلبی با آنان، اصل اخوت به‌جای دشمنی، همگرایی و وحدت، مبارزه با جنگ‌طلبان و منافقین، پرهیز از استبداد و ستم، حقوق و تکالیف متقابل حکومت و مردم، وحدت پیروان ادیان الهی، همزیستی مسالمت‌آمیز و ... از رئوس اصلی هستند که مورد توجه اسلام (قرآن) و نهج‌البلاغه قرار گرفته‌اند.



نهج‌البلاغه

حقوق خصوصی؛ حق حیات و امنیت؛ آزادی شخصی؛؛ حق دفاع و احقاق حق؛ حق آزادی مذهب؛ رعایت حقوق بشر

نتیجه؛

چنان‌که تسامح و تساهل و همزیستی مسالمت‌آمیز در غرب بستری دینی داشت، به‌تدریج قلمرو گسترده‌ای یافته و شامل تحمل هر نوع تنوع و گوناگونی در هر عرصه معرفتی و رفتاری اعم از فردی، سیاسی، دینی و ... شد. چنان‌که از اهداف تأسیس سازمان ملل متحد نیز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها و ... می‌باشد. مسئله تساهل و تسامح، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر اقوام و ادیان در دین اسلام و به‌تبع آن در فقه نیز مطرح است، به‌طوری‌که از نظر عملی نیز زندگی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام به‌طور اعم، و احکام فقهی صادر شده از طرف آنان به‌طور اخص، این امر را تأیید می‌کند. با توجه به مسیر تاریخ نیز، جامعه بین‌الملل به‌سوی جهانی شدن پیش می‌رود. به‌طوری‌که اراده بشر در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز، شایسته‌سالاری و اجرای عدالت، به‌دوراز تعصبات نژادی، قومی، زبانی، مذهبی و غیره قرار دارد. یکی از آرم‌های مطرح‌شده در قرآن برای رسیدن انسان به سعادت و کمال وحدت و یکپارچگی جهانی است. چنان‌که خداوند در آیات فراوانی بر این امر تأکید می‌نمایند. چراکه اسلام دینی است که برای همه بشریت ارسال شده است. اما اندیشه حکومت جهانی چیزی نیست که در انحصار اسلام باشد، بلکه در اقوام، ادیان، ملت‌ها و مکتب‌های مختلف، چه در زمان گذشته و چه در زمان حال، بیان شده است. لذا وحدت جهانی، آرمانی بشری است. همزیستی مسالمت‌آمیز چیزی بیشتر از حالت صلح است چراکه ممکن است کشورها در صلح باشند ولی سایر



شرایط که لازمه همزیستی مسالمت‌آمیز است از جمله همکاری و تعاون را نداشته باشند. در هر حال می‌توان برای همزیستی مسالمت‌آمیز چهار مرحله قائل شد: صلح، همکاری، اتحاد و وحدت مرحله دیگری است که در سازمان‌های بین‌المللی یک وجه خود رانشان می‌دهد و نمونه بارز آن سازمان ملل است. کشورهای مسلمان نیز به نظر می‌رسد با تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی در این مرحله به سر می‌برند. مرحله بعد مرحله اتحاد است که کشورهای اروپایی با تشکیل اتحادیه اروپا خواهان دستیابی به آن هستند ولی هنوز مرحله چهارم یعنی وحدت محقق نشده است. دیدگاه اسلام برای مسلمانان و کشورهای اسلامی همان وحدت با یکدیگر است و با کشورهای غیر اسلامی تعاون و همکاری یعنی اسلام در خصوص رفتار با کشورهای غیر اسلامی یک مرحله فراتر از صلح رفته و خواهان همکاری با آنهاست. بنابراین اسلام دین صلح و آشتی و همزیستی مسالمت‌آمیز است و جنگ و جهاد حالت استثنائی دارد و نیازمند وجود دلیلی موجه است. در پایان مقاله حاضر، به صورت گذرا به ارائه راهکار برای تأمین صلح و همزیستی از دیدگاه اسلام اشاره می‌شود:

۱- **ترویج اخوت بشری و مساوات انسانی**، بدون تردید، یکی از عوامل مهم جنگ‌ها در طول تاریخ، نژادپرستی، قوم‌گرایی، برتری‌جویی و تعصب‌های مذهبی بوده است. اما اسلام به جامعه بشری، به صورت مجموعه واحد می‌نگرد و کرامت الهی و تکریم انسان، شامل جمیع افراد بشر می‌شود: "و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر مَن خلقنا تقضیلاً"؛

۲- **تحریم اسباب نزاع و جنگ**، نزاع‌ها بین افراد، اغلب به واسطه منافع و انگیزه‌های مادی صورت می‌پذیرد. اسلام در تلاش برای ایجاد صلح و امنیت بین دولت‌ها و ملت‌ها با تمام این انگیزه‌ها و برتری‌جویی‌های مادی مبارزه می‌کند و همه را به سوی تمدن انسانی سوق می‌دهد: ۳- احترام به پیمان‌ها. از این رو در آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی، به مسئله وفا به تعهدها تأکید فراوانی شده است و شکستن آن از گناهان بزرگ شمرده می‌شود: ۴- پرهیز از جدال دینی، نکوهیده بدون شک جدالی که خود بر اساس قواعد علمی یا اخلاقی نیست، خود می‌تواند یکی از اسباب جنگ باشد: ۵- گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان الهی و تمدن‌ها، در بخش دوم به آیات سوره آل عمران، آیه ۶۴ و هم‌چنین به سوره بقره آیه ۱۱۳ اشاره شد و می‌توان این نتیجه را گرفت که چنان‌چه پیروان ادیان از بغض، عداوت و تکفیر یکدیگر دست‌بردارند و به اصول و اهداف مشترک توجه کنند، زندگی صلح‌آمیز همراه با و همزیستی، امری دور از دسترس نخواهد بود: ۶- تربیت صحیح جوامع بشری، این تربیت صحیح فرد و اجتماع، همان‌گونه که ظلم و تعصب‌ها را از بین می‌برد، سبب همدلی، وحدت و اخوت بشری نیز می‌شود؛ چنان‌چه تمام جوامع بشری به این صفات پسندیده آراسته شوند، امنیت، صلح و همزیستی به ارمغان می‌آید.



منابع؛

- ۱- ابراهیمی و رکیانی، محمد (۱۳۸۲) "همزیستی مسالمت آمیز از نگاه شرایع و ادیان الهی"، آینه معرفت، شماره ۱.
- ۲- بوالفضلی، علیرضا (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) "جهاد، دفاع و جنگ در اسلام"، صف ماهنامه ارتش جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۶۴.
- ۳- بی الحسین، احمد بن فارس بن زکریای رازی (۱۳۶۲). **معجم مقاییس اللغة**، قم: انتشارات، احیاء الکتب العربیة.
- ۴- الازهری، ابن منصور محمد بن احمد، (۲۰۰۱). **معجم تهذیب اللغة**، ج ۲، دارالمعرفة للطباعة و النشر.
- ۵- اسپیس، کلی کیت (۱۳۸۴) سازمان های بین المللی، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.
- ۶- إسماعیل بن حماد الجوهري، (۱۹۸۴م: ۱۹۵۱). **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**، تحقیق أحمد عبد الغفور، الطبعة الثالثة، ج ۵، دار العلم للملایین.
- ۷- اشراق، محمد کریم (۱۳۶۶) **تاریخ و مقررات جنگ در اسلام**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸- امینی، علیرضا؛ آیتی، سید محمد رضا، (۱۳۸۴). **تحریر الروضه فی شرح اللمعة**، سید مهدی دادمزنی، ج ۲، قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- ۹- آقابخشی، علی، ۱۳۷۴، **فرهنگ علوم سیاسی**، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران.
- ۱۰- آلوین و هاییدی، تافلر، (۱۳۷۷). **جنگ و ضد جنگ**، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: سیمرغ.
- ۱۱- بیدآباد، بیژن (۱۳۹۰) **اصول روابط بین الملل در اسلام از دیدگاه حکمت و تصوف اسلامی** (حقوق بین الملل عمومی، دیپلماسی و سیاست خارجی). تهران: انتشارات نورفاطمه.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۷). **ترمینولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.
- ۱۳- حسن، عمید، (۱۳۸۱). **فرهنگ عمید**، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- خامنه ای، سید علی، **مهاده (قرار داد ترک مخاصمه و آتش بس)**، بخشی از درس های خارج فقه مقام معظم رهبری.
- ۱۵- خلیلیان، خلیل ۱۳۸۹، **اسلام و حقوق بین الملل**، تهران: کتابخانه گنج دانش، چ. نهم.
- ۱۶- خمینی، روح الله الموسوی، (۱۳۶۲). **صحیفه نور**، چ. بیستم، ج ۱۶، تهران: انتشارات مرکز مدارک فرهنگی اسلامی.
- ۱۷- دشتی، محمد (۱۳۷۹). **نهج البلاغه قم**: انتشارات مشرقین. نامه شماره ۱۲، ص ۴۹۳

- ۱۸- دفتري، احمد متين، (۱۳۳۶). روابط بين الملل از قديم الايام تا سازمان ملل، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۹- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۴). لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، مسلسل ۱۲۲، ۲۰۹، ۲۲۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲). مفردات في غريب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چ. اول، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ج ۲.
- ۲۱- الراغب الاصفهانی (۱۹۷۲). حسین بن محمد، ، معجم مفردات الالفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، المكتبة المرتضوية الاخبار الآثار الجعفرية.
- ۲۲- سلیمي، عبدالحکیم (۱۳۸۷). نقش اسلام در توسعه حقوق بين الملل، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۲۳- شمس الدین، محمد مهدي، (۱۳۶۶). جنگ و صلح از دیدگاه امام علي ؑ، بنیاد نهج البلاغه، تهران: روشنگر.
- ۲۴- شهید ثاني، زين الدين بن علی، (۱۳۸۰). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ترجمه علي شیروانی، قم: دار العلم.
- ۲۵- ضیایی بیگلدي، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- طالقانی، محمد (۱۳۶۰) پرتوی از قرآن ج ۵، نشر انتشار.
- ۲۶- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۶) تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب، تهران: نشر قومس.
- ۲۷- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۵). تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوك). ترجمه ی ابوالقاسم پاینده، ج ۴، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۲۸- عمید زنجاني، عباس علي (۱۳۴۶). فقه سياسي، تهران: امیرکبیر، ج ۳.
- ۲۹- فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله، (۱۳۸۴). كنزالعرفان في فقه القرآن، عقیقی بخشایشی، ج ۲، چ ۳، قم: نوید اسلام.
- ۳۰- فیض، علیرضا، (۱۳۶۴). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات.
- ۳۱- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج ۳ و ۴.
- ۳۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ دوم.
- ۳۳- کریمی نیا، محمدمهدي، (۱۳۸۷). همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بين الملل، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چ. دوم.
- ۳۴- کلودآلبر کلییار (۱۳۷۹). نهادهي روابط بين الملل، تهران.





- ۳۵- کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۳). *طبیعت استبداد*. ترجمه عبدالحسین میرزای قاجار، نقد و تصحیح محمد جواد صاحبی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.
- ۳۶- گوستاو لوبون (۱۳۴۷). *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه هاشم حسینی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ج ۴.
- ۳۷- محقق حلّی، (۱۳۸۸). *شرایع الاسلام*. کتاب جهاد- به نقل از مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶.
- ۳۸- محمد خلف، احمد، انیس ابراهیم، الصوالحي عطیه، منتصر عبد العظیم، بی تا، *معجم الوسیط*، ترجمه محمد بندر ریگی، ج ۱، ج ۲، بیروت.
- ۳۹- محمدی، ابولحسن، (۱۳۹۰). *گزیده متون فقه*. تهران: نشر میزان.
- ۴۰- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۹۰). *حقوق بین المللی عمومی و اصول روابط دول*. ج ۲.
- ۴۱- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱). *پرسش ها و پاسخ ها*، ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۴۲- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) *جامعه و تاریخ*، انتشارات صدرا.
- ۴۳- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴) *جهاد، موارد مشروعیت آن در قرآن*. انتشارات صدرا.
- ۴۴- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱) *فلسفه تاریخ در مجموعه آثار ج ۳*. انتشارات صدرا.
- ۴۵- مطهری، مرتضی، (۱۲۹۸ - ۱۳۵۸). *جهاد و مواد مشروعیت آن در قرآن*، قم: صدرا.
- ۴۶- منتسکیو (۱۳۶۲). *روح القوانين*، ترجمه علی اکبر مهتدی، امیرکبیر، تهران.
- ۴۷- مولوی نیا، محمد جواد، (۱۳۸۳). *ترجمه رساله حقوق امام سجاد علیه السلام*. قم: امام عصر.
- ۴۸- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۱). *شورا و آزادی: بحثی در اندیشه سیاسی طالقانی*، قم: آفتاب سبا.
- ۴۹- النجفی، محمد حسن، (محقق حلّی): *القوچانی، عباس*، (۱۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۱۴، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- ۵۰- نجفی، موسی (۱۳۷۹). *حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران*، تهران: پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ اسلامی.
- ۵۱- *نرم افزار ترجمه و تفسیر قرآنی* جا- ۴۰۱، نشر حدیث اهل بیت علیهم السلام.
- ۵۲- نعمت اللهی، همایون. (۱۳۷۹). *واژه نامه سیاسی*، قم: عباسی.
- ۵۳- ویلیام تی. بلوم (۱۳۷۳). *نظریه های نظام سیاسی*، ترجمه احمد تدین، تهران: آران.

An-nabhani, Taqiuddin (1998), *The Islamic State*, London: Al-Khalifeh publication.
 Gray, Colin S. (2007), *War, Peace and International Relation*, London: Routledge.

Iain Mclellan, the Concise Oxford Dictionary of Politics, Tehran Dadgostar Publisher, 7731.

Ulen, Thomas S. (1999), "Rational Choice Theory in Law and Economics", University of Illinois Institute of Government and Public Affairs, No710.

